



تأثیر زمان و مکان بر احکام، در فقه حنفی و امامی

عصام الدین گوگلان، محمد علیدوست^۱

چکیده

تحول موضوعات و دگرگونی مناسبات اجتماعی در طول زمان و تغییر زیست بوم‌های جغرافیایی، از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی نظام فقهی در مواجهه با پدیده‌های نوظهور است. پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش و جایگاه دو عنصر «زمان» و «مکان» در فرایند استنباط و صدور فتوا، به بررسی تطبیقی آراء و مبانی فقهای حنفی و امامی می‌پردازد. براینده حاصل از این تحقیق که با روش توصیفی تحلیلی سامان یافته، حکایت از آن دارد که احکام اسلامی به دو حوزه ثوابت و متغیرات دسته‌بندی می‌شوند و تغییر فتاوا صرفاً در قلمرو متغیرات و در پرتو مقتضیات و اوضاع مکلفان معنا می‌یابد و هرگز به حوزه ثوابت و نصوص یقینی سرایت نمی‌کند. در فقه امامی و حنفی، زمان و مکان ذاتاً دگرگون‌کننده حکم الهی نیستند، بلکه به عنوان ظرف تحول اوضاع جامعه و محرک تغییر موضوعات، موجب تغییر احکام می‌شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه حنفی با تکیه بر قواعدی چون مصالح مرسله، سد ذریعه و تغییر عرف، و فقه امامی با اتکا به پویایی اجتهاد، نقش آفرینی عرف صحیح و درک هوشمندانه از مقتضیات زمانه و بازتعریف جامع شرایط مجتهد، بر مداخلیت این دو عنصر تأکید ورزیده‌اند. ادله شش‌گانه فریقین اعم از

۱۱۸



شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۴۰۴
امت و آملات

۱. نویسنده مسئول: عصام الدین گوگلان، دکتری تفسیر تطبیقی جامعة المصطفی گرگان؛ محمد علی دوست، سطح چهار حوزه علمیه قم، عضو گروه امت و تمدن پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، M.alidoost1370@gmail.com.

کتاب، سنت، عرف، رأی اصحاب، مصالح مرسله و سدّ ذریعه، گواهی روشن بر مشروعیت و ضرورت لحاظ شرایط زمان و مکان در پویایی فقه است.

واژگان کلیدی: زمان و مکان، تغییر احکام، ثوابت و متغیرات.

مقدمه

شریعت خاتم به عنوان نظامی جهان شمول، عهده دار هدایت بشر و اداره جوامع در تمامی اعصار و مکان هاست. لازمه این جاودانگی، تعبیه سازوکارهایی است که پویایی فقه را در مواجهه با دگرگونی های مستمر حیات اجتماعی تضمین نماید. در این میان، دو عنصر «زمان» و «مکان» پدیده هایی بنیادین هستند که نادیده انگاشتن آنها، نظام تشریع را با چالش ناکارآمدی و عسر و حرج مکلفان مواجه می سازد. با این حال، تأثیر این دو عنصر نیازمند مرزبندی ضابطه مند است؛ چراکه احکام اسلامی به دو حوزه کلان «ثوابت» (احکام یقینی و دگرگونی ناپذیر) و «متغیرات» (احکام دائرمدار مصالح، عرف و تکامل ابزارها) تقسیم می شوند و مقتضیات زمان و مکان، صرفاً در قلمرو متغیرات و از طریق اثرگذاری بر موضوع فتاوا نقش آفرینی می کنند. مراد از زمان و مکان نیز نه معنای فلسفی، بلکه تحول شیوه های زندگی و دگرگونی شرایط اجتماعی مکلفان است.

بررسی میراث مکتوب مذاهب اسلامی نشان می دهد که فقیهان فریقین، قاعده «تغییر احکام اجتهادی به واسطه تغییر زمان و مکان» را به عنوان اصلی اساسی پذیرفته اند. در فقه اهل تسنن، عالمان حنفی مذهب همچون سرخسی، شاطبی و ابن عابدین با تکیه بر ابزارهایی چون مصالح مرسله، سدّ ذرایع و دگرگونی عرف، بر انعطاف پذیری فتاوا پای فشرده اند. در فقه امامیه نیز از متقدمانی چون شهید اول و علامه حلی گرفته تا آرای معاصرانی چون امام خمینی رحمه الله علیه، آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی، بر ضرورت

احاطه مجتهد به مسائل زمان، و نقش کلیدی تغییر موضوعات در تحول فتاوا تأکید شده است.

پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با هدف واکاوی عمیق مبانی فریقین، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که دو عنصر زمان و مکان چگونه و بر پایه چه ادله و قواعدی (اعم از کتاب، سنت، عرف، رأی اصحاب، مصالح مرسله و سدّ ذریعه) بر فرایند استنباط در دو مذهب حنفی و امامی تأثیر می‌گذارند؟ تبیین این مسئله، علاوه بر روشن ساختن مرز ثوابت و متغیرات، کارآمدی فقه اسلامی را در پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی عصر حاضر به تصویر می‌کشد.

گونه‌شناسی احکام اسلامی

احکام اسلامی را می‌توان در دو حوزه ثوابت و متغیرات، دسته‌بندی کرد:

گونه نخست: ثوابت

احکامی که در شرع مقدس اسلام ثابت هستند و با گذشت زمان و تغییر مکان، تبدیل و تغییری نمی‌کنند را ثوابت می‌گویند. این احکام به صورت یقینی ثابت هستند و در هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند، مثل احکام وجوب نمازهای یومیه، روزه ماه مبارک رمضان، حج، و حرمت شراب و زنا. این دسته از احکام با نصوص متواتر ثابت هستند.

گونه دوم: متغیرات

برخی از احکام اسلامی با اختلاف ظروف و احوال قابل تغییر هستند و نوع فهم و استنباط فقیه در این احکام تأثیرگذار است.^۱ از این رو، برخی از ویژه‌دانان فقه، قاعده «لاینکر تغیر الأحکام الاجتهادیة بتغیر الزمان و المكان» را در کتب فقهی خویش مطرح کرده‌اند.

با تفحص در آثار به جا مانده از اندیشمندان فقه، می‌توان علل مختلفی را برای

۱. شیرعلی ظریفی، الثوابت و المتغیرات، ص ۷۰.

احکام اسلامی بر دو
قسم اند: ثابت (قطعی و
غیرقابل تغییر) که ریشه
در نصوص متواتر دارند،
و متغیر (اجتهادی و
منعطف بر شرایط) که با
تغییر زمان و مکان، ممکن
است دستخوش تحول
شوند. این تقسیم‌بندی،
نشان‌دهنده پویایی فقه
اسلامی در مواجهه با
متغیّرات جدید، همراه
با حفظ اصول ثابت دین
است.



تغییر این گونه از احکام یافت. برای درک صحیح این مطلب برخی از علل آن آورده می شود: زمان: زمان، عامل حقیقی برای تغییر فتوا نیست بلکه زمان ظرفی است که در آن تغییرات تحقق پیدا می کند، بدین جهت برخی از فقیهان چنین مطرح کرده اند: «لَا يُنْكَرُ تَغْيِيرُ الْأَحْكَامِ بِتَغْيِيرِ الْأَوْثَانِ»^۱.

تأثیر زمان در احکام را می توان در فتوای شافعی در مسئله دیه به خوبی یافت. او معتقد است که دیه برای قتل و جراحات در جنایاتی که در ماه های حرام و علیه خویشاوندان نزدیک رخ می دهد، افزایش می یابد.^۲ در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران نیز نرخ دیه (فوت) در ماه های حرام یک سوم افزایش می یابد که حاکی از تأثیر عنصر زمان در احکام است.^۳

مکان: عنصر مکان نیز در تغییر حکم شرعی دارای اثر است؛ به عنوان نمونه جنایتی که در حرم مکی رخ می دهد دارای یک حکم، و همان جنایت در بیرون از حرم مکه، حکمی دیگر پیدا می کند. این تغییر حکم به خاطر تغییر مکان، کاشف از آن است که عنصر مکان در حکم شرعی اثرگذار خواهد بود.

عرف و عادات مردم: یکی دیگر از عواملی که در تغییر فتوا نقش دارد و ارتباط وثیقی با مقتضیات زمان و مکان دارد، تغییر عرف و عادات مردم است.

با استناد به آیه کریمه ۱۹۹ سوره مبارکه اعراف می توان حجیت عرف را در پاره ای از احکام ثابت نمود. خداوند متعال در آیه مذکور می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» ابن عطیه، وَاْمُرْ بِالْعُرْفِ را این گونه تفسیر می کند: معنای عرف در آیه این است که: هر چیزی که نفوس مردم آن را شناخته و قبول کند و مخالف شریعت نباشد.^۴ براین اساس خداوند متعال نسبت به عرف و امر بدان نگاه مثبتی دارد اما این بدان معنا نیست که هرآنچه به عنوان عرف شناخته می شود، عرف صحیح باشد بلکه همان گونه که اندیشمندان اسلامی مطرح کرده اند، برخی از عرف ها صحیح و برخی دیگر، عرف فاسد محسوب می شوند.

عرف صحیح، عرفی است که با قانون و نصوص شرع مخالفت و معارضتی نداشته باشد و با انجام آن مصلحتی فوت و یا مفسده ای جلب نگردد. عرف فاسد، عرفی است که با

۱. کمیته ای متشکل از علما و فقه های خلافت عثمانی، مجلة الأحكام العدلیة.

۲. سید سابق، فقه السنة، ج ۲، ص ۵۵۵.

۳. قانون مجازات اسلامی ایران، کتاب چهارم، بخش دوم، فصل اول، ماده ۵۵۵.

۴. عبدالحق بن غالب الأندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۲، ص ۴۹۱.



شریعت و قانون مخالف بوده و با آن سازگاری ندارد و موجب گمراهی و ترویج فساد و تباهی می‌گردد. اگرچه این عرف بین مردم رایج و متعارف باشد.^۱

یکی از نشانه‌های عرف فاسد آن است که با تمسک به عرف، عبادتی ثابت شود که برای آن عبادت، هیچ نصی در شرع وجود نداشته باشد. با عنایت به اینکه عبادات از امور توقیفی هستند، لاجرم اثبات آن نیازمند نص است.^۲

اما همان‌گونه که ابن عابدین مطرح کرده است، مجتهد لازم است که نسبت به عرف و عادات مردم آگاه و علم داشته باشد؛ چراکه برخی از احکام، با اختلاف زمان و تغییر عرف اهل مردم و یا فساد مردم تغییر می‌کنند.

شهید اول نیز تغییر برخی از احکام را به خاطر تغییر عرف و عادت اجتماعی، پذیرفته است. ایشان مسائلی همچون نفقه با اوزان و پول را تابع عادات و عرف زندگی مردم در هر زمان دانسته است.^۳

در مسئله پرداخت مهریه پیش از مباشرت نیز عنصر عادت نقش آفرین است. صاحب جواهر در ضمن بررسی روایتی چنین می‌نویسد: مبنای این روایات در موردی است که عادت مردم به پرداخت مهریه قبل از مباشرت باشد؛ همان‌گونه که در گذشته نیز عادت مردم چنین بوده است. بنابراین برداشت فقیهان از قبیل ترجیح ظاهر بر اصل است.^۴ بایسته ذکر است که آنچه در پژوهش پیش رو مطرح نظر است، مربوط به گونه دوم از احکام می‌شود، به این معنا که اگر تأثیر دو عنصر زمان و مکان در احکام مطرح می‌شود، مقصود آن است که زمان و مکان در احکام متغیرات، قابل تأثیر هستند و در گونه نخست احکام، نمی‌توانند تأثیری داشته باشند.

تبیین آراء فقیهان درباره تأثیر زمان و مکان در فتوا

همگان نیک واقف هستند که جغرافیا و زمان‌ها بر نوع اندیشه و رفتار ساکنان خود تأثیرگذارند؛ از این رو بیابان‌نشینان با شهرنشینان، روستانشینان با ساکنین شهر و حتی ساکنین مناطق گرمسیر با مناطق سردسیر در اندیشه و رفتار، تفاوت دارند. همچنین

۱. مصطفی الزرقاء، المدخل الفقهي العام، ج ۲، ص ۵۱.

۲. عبدالله بن یوسف الجدید العنزی، تیسیر علم أصول الفقه، ص ۲۱۲.

۳. محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۱۳۳.

افرادی که اکنون زیست می‌کنند با افرادی که در سه سده پیش زیست می‌کرده‌اند، متفاوت هستند.

معنایی که فقه و فقیه از زمان و مکان مطمح نظر دارد، معنای لغوی و فلسفی آن نیست بلکه مراد تغییر انسان بر اثر تغییرات زمانی و مکانی می‌باشد؛ زیرا اگر زمان یا مکان تغییر کند و انسان به همان حالت اولی باقی بماند و تغییری بر او عارض نشود، حکم باقی می‌ماند. بر این بنیان، مراد از تغییر زمان و مکان، تغییری است که در آن، اوضاع مردم نیز دگرگون شده باشد.

با عنایت به اینکه زمان و مکان با تغییر فتوا ارتباط وثیقی دارد، فقیهان فریقین تغییر فتوا به خاطر تغییر زمان و مکان را به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته‌اند و این مهم را در آثار خود تذکر داده‌اند. در ادامه، کلمات برخی از فقیهان در خصوص تأثیر زمان و مکان بر نگرش فقهی فقیه ارائه خواهد شد.

فقیهان اهل تسنن

سرخی از علمای اهل تسنن نکته‌ای را متذکر می‌شود که گواه تأثیر زمان و مکان بر فتوای فقیه است. وی می‌نگارد: اگر امام ما (ابوحنیفه)، آنچه را که ما دیدیم را می‌دید، قطعاً رأی و نظرش تغییر می‌یافت، به سبب دگرگونی‌هایی که در زمان و مکان و روند تحول زندگی پدید آمده است.^۱

برخی دیگر از اندیشمندان اهل تسنن معتقدند که سرمنشأ پیدایش اختلاف میان ابوحنیفه با ابویوسف و محمد بن حسن اختلافات زمانی و مکانی است. آنان معتقدند که چه بسا اگر ابوحنیفه در زمان و مکان آنان بود، نظر دیگری ارائه می‌داد.^۲ ابواسحاق شاطبی در این خصوص چنین می‌نگارد: با درنگ در فرامین شرع، دریافت می‌شود که شارع مقدس، مصالح بندگان را لحاظ فرموده است، به گونه‌ای که احکام دائرمدار مصالح بندگان است. بر این پایه است که مسئله‌ای که در زمانی جایز بوده، در زمان دیگر ممنوع می‌شود؛ چراکه در زمان جواز دارای مصلحت بوده و در زمانی که فاقد آن مصلحت شده، ممنوع شده است.^۳

۱. محمد بن أحمد سرخی، المبسوط، ج ۸، ص ۱۷۸.

۲. مصطفی الزرقاء، المدخل الفقهي العام، ج ۲، ص ۹۴۱-۹۵۱.

۳. الشاطبی، الموافقات، ج ۲، ص ۳۰۵.

تأثیر
فقیهان اهل سنت، تغییر
زمان و مکان بر
اجتهادی را
احکام و آن را صالح
پذیرفته‌اند و مصلح
از تغییر اوضاع و رویکرد،
مردم می‌دانند. این فقه در
نشان دهنده پویایی
مواجهه با تحولات اجتماعی
و زمانی است، در حالی که
احکام قطعی ثابت (نظیر
وجوب نماز و روزه) از این
قاعده مستثنا هستند.



به باور ابن عابدین و احمد مصطفی زرقاء، تغییرات زمانی، عرفی و اجتماعی، علت اصلی تغییر احکام تغییرات، نه به معنای بلکه در اهداف شرعی، در روش ها و ابزارهای دستیابی به اهداف ثابت شرعی است؛ چراکه شرع خود را مقید به روش های ابزارها را به روزرسانی با توجه به مقتضیات هر عصر واگذار کرده است.

۱۲۴



شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۴۰۴
امپ و ایمپ

وی همچنین می نویسد: توجه به نتایج و پیامدهای افعال خواه موافق شرع باشند یا مخالف آن همواره مورد اهتمام و عنایت شارع بوده است؛ ازاین رو مجتهد تنها پس از ملاحظه آثار و نتایج فعل صادر شده از مکلف، اعم از انجام دادن یا ترک یک عمل، درباره آن حکم می کند.^۱

ابن عابدین از دیگر اندیشمندان اهل تسنن می نویسد: مسائل فقهی یا از طریق نص صریح اثبات می شود و یا به واسطه نوعی اجتهاد. در بسیاری از موارد، آنچه مجتهد بیان می کند، مطابق با عرف زمانه خویش است، به گونه ای که اگر عرف جدیدی پدید آید، ممکن است برخلاف دیدگاه پیشین خود سخن گفته و فتوا صادر کند؛ از همین رو عالمان در بیان شرایط اجتهاد تصریح کرده اند که مجتهد باید با عادات و عرف مردم آشنا باشد.

براین اساس بسیاری از احکام شرعی بر اثر تغییر زمان، دگرگونی عرف مردم، پیدایش ضرورت ها یا فاسد شدن اخلاق و رفتار مردم دستخوش تغییر می شوند؛ زیرا اگر حکم پیشین همچنان به همان صورت باقی بماند، موجب مشقت و زیان برای مردم خواهد شد و این امر با قواعد شرعی مبتنی بر تخفیف، آسان گیری، دفع ضرر و جلوگیری از فساد که همگی در راستای اداره جامعه بر پایه بهترین شیوه و استوارترین نظام است ناسازگار خواهد بود؛ ازاین رو مشاهده می شود که بزرگان مذاهب در موارد فراوانی با حکمی که مجتهدی براساس شرایط زمان خود به آن تصریح کرده است، مخالفت می ورزند؛ چراکه آنان می دانند اگر آن مجتهد نیز در زمان آنان می زیست، با تکیه بر قواعد مذهب خویش همان سخنی را می گفت که ایشان گفته اند.^۲

احمد مصطفی زرقاء از دیگر صاحب نظرانی است که این مسئله را مورد دقت قرار داده است. وی معتقد است که احکام شرعی ای که بر اثر گذشت زمان و به سبب تغییر موضوعاتشان دگرگون می شوند، همگی دارای منشأی واحد هستند و تغییر این احکام درحقیقت چیزی جز دگرگونی در ابزارها و شیوه های تحقق مقصود شارع نیست؛ زیرا این ابزارها و شیوه ها غالباً در شرع به صورت مشخص تعیین نشده اند تا در هر عصر، آنچه نتیجه ای بهتر داشته و مشکلات را به شکلی مطلوب تر حل می کند، برگزیده شود. سپس منشأ تغییر احکام را به یکی از دو امر بازمی گرداند:

۱. همان، ج ۴، ص ۱۴۰.

۲. ابن عابدین، رسائل ابن عابدین، ج ۲، ص ۱۲۳.

الف) فاسد شدن اخلاق مردم، از میان رفتن ورع و تضعیف نیروی بازدارنده از گناه که از آن به «فساد زمانه» تعبیر می‌شود؛

ب) پدید آمدن شیوه‌های نوین زندگی، شرایط متفاوت و روش‌های جدید اقتصادی. آنگاه برای هر یک از این دو قسم، نمونه‌های متعددی ذکر می‌کند که برخی از آن‌ها را از رساله نشر العرف اثر ابن عابدین اقتباس کرده و با بیانی نو بازپردازی نموده است.^۱ دکتر وهبه زحیلی خلاصه‌ای از آنچه را زرقا نگاشته، تحت عنوان «تغییر احکام به واسطه تغییر زمان» آورده است که طبق بیان وی، مبدأ تغییر احکام، بیشتر به نظریه مصالح مرسله نزدیک است تا نظریه عرف.^۲

افرادی همچون ابوليث حنف، قرافي مالکی، الشاطبي، ابن کمال الباشا الحنفی، ابن مسکویه، محمد عبده و بسیاری دیگر از عالمان اهل سنت نیز به تأثیر زمان و مکان بر احکام اشاره کرده‌اند.

فقیهان شیعه

شهید اول فرموده است: جایز است احکام با تغییر و تحوّل عادت‌ها تغییر و تحوّل یابند؛ همانند نقود متحاوره (متداول) و اوزان متداول و هزینه زن‌ها و اقارب؛ چون آن‌ها پیروی عادت زمانی را می‌کنند که در آن واقع شده‌اند و نیز تقدیر عواری و عواید.^۳ علامه حلی در شرح کلام خواجه نصیرالدین طوسی در این زمینه چنین نگاشته است: «هیچ حکمی کلیت ندارد؛ زیرا روشن است که احکام به اعتبار خصوصیات، اوضاع، احوال، زمان‌ها، مکان‌ها و اشخاص مختلف، تغییر می‌کنند و امتیاز عالمان و فقیهان، از غیر آن‌ها به واسطه استخراج همین اختلافات و انطباق آن بر مصادیقی است که از شرع مقدس گرفته می‌شود».^۴

شیخ محمد حسین کاشف الغطاء می‌فرماید: «تغییر احکام به تغییر زمان، قابل انکار نیست». بعد می‌فرماید: «احکام الهی قابل تغییر نیست مگر به تغییر موضوعات یا از راه تغییر زمان، مکان و اشخاص».^۵

۱. الزرقاء مصطفی، المدخل الفقهي العام، ج ۲، ص ۹۲۴.

۲. وهبه الزحیلی، اصول الفقه الاسلامي، ج ۲، ص ۱۱۱۶.

۳. محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۱۵۲.

۴. خواجه نصیرالدین طوسی، کشف المراد، ص ۱۷۳.

۵. محمد حسین کاشف الغطاء، تحرير المجلة، ج ۱، ص ۳۴.





صاحب جواهر در مسئله «فروختن به پیمانانه چیزی را که به وزن به فروش می‌رسد»، چون آن متعارف میان مردم است، آن را اعتبار کرده و فرموده است: «أقوال اعتبار متعارف در بیع است و آن با اختلاف زمان‌ها و مکان‌ها مختلف می‌شود».^۱

حضرت امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است».^۲

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «اگر یک فرد، اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی، مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد».^۳

بلکه مقصود از زمان و مکان طبق فرمایش استاد شهید مطهری، مقتضیات زمان و مکان است؛ البته مقتضیات زمان و مکان نه به معنای اینکه در هر زمان پدیده‌هایی به وجود آمده است که باید از آن‌ها تبعیت کرد و پدیده‌های هر قرن مستلزم آن است که خود را با آن‌ها تطبیق دهیم، و نه به معنای تقاضای مردم هر زمان و پسند آنان است، که در هر زمان

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۳، ص ۳۷۵.

۲. سید روح الله خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸.

۳. همان، ص ۱۷۶.

ذوق و سلیقه مردم متفاوت است (مثل مد لباس و کفش و...)، پس بینیم اکثریت چه می‌گویند و تابع آن‌ها شویم؛ بلکه به معنای اینکه احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر می‌کند و هر احتیاجی که بشر دارد یک نوعی را تقاضا می‌کند. ابزار و وسایل تکامل می‌یابد و در هر عصر فرق می‌کند، نیاز به مسکن، کشاورزی، خیاطی، حمل و نقل، آموختن، وسایل فنی و... که انسان اجباراً باید به دنبال آن‌ها برود و اسلام جلوی نیازهای واقعی را نمی‌گیرد، بلکه جلوی هوس را می‌گیرد. جلوی فیلم خوب را نمی‌گیرد بلکه جلوی فیلم‌های فاسد را می‌گیرد.^۱

آیت الله سبحانی در این باره چنین می‌نویسد: منظور ما از زمان و مکان، معنای کنایی آن‌هاست؛ یعنی تحول شیوه‌های زندگی و اوضاع اجتماعی برحسب پیشرفت زمان و گسترش شبکه ارتباطات. این معنا در بحث ما اهمیت دارد.^۲ به نقل از آیت الله مکارم شیرازی چنین ثبت شده است که ایشان در پاسخ این سؤال که «نقش زمان و مکان را در فرایند اجتهاد چگونه ارزیابی می‌کنید؟» چنین اظهار نظر می‌کنند: در مورد نقش زمان و مکان در اجتهاد که امام رحمته الله علیه مطرح کردند، باور بعضی از ناآگاهان این است که این موضوع در فقه سابقه نداشته و بنابراین بدعتی در فقه گذاشته شده، در حالی که این اشتباه است. موضوع تأثیر و نقش زمان و مکان در اجتهاد همیشه در فقه ما بوده است، منتها امام این موضوع را به صورت بنیادی تر و اساسی تر و فراگیرتر مطرح کرد و کاربرد این مسئله را از یخ و آب در بیابان بیرون آوردند و در تمام مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جاری کرد؛ یعنی امام توجه داد که این مسئله منحصر به مورد خاصی که در کتاب تجارت و بیع ذکر شده نیست، بلکه در سرتاسر فقه ممکن است کاربرد داشته باشد.

عقیده ما این است که گذشت زمان و مکان هیچ وقت حکم را مستقیماً عوض نمی‌کند، بلکه از طریق تأثیر گذاشتن در موضوع، حکم را دگرگون می‌کند، والا «حلال محمد صلی الله علیه و آله حلال الی یوم القيامة و حرامه حرام الی یوم القيامة» معنا پیدا نمی‌کند. اگر موضوع عیناً محفوظ شود، یعنی موضوع در زمان و مکان عوض نشود، محال است که حکم هم عوض بشود.^۳

به باور آیت الله سبحانی و آیت الله مکارم شیرازی، زمان و مکان در اجتهاد نقشی اساسی دارند. اما نه به صورت مستقیم، بلکه از طریق تغییر موضوعات و مصادیق احکام ثابت الهی (حلال و حرام قطعی) تغییر نمی‌کنند؛ آنچه تغییر می‌کند، تشخیص مصادیق و تطبیق حکم بر موضوعات جدید است که با تحول زمان و مکان، نیازمند اجتهاد پویا و روزآمد است.



۱. مرتضی مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۷ و ۱۱۸.

۲. جعفر سبحانی، «نقش زمان و مکان در استنباط»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۴.

۳. جمعی از دانشوران، نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد، ص ۱۳، به نقل از ویکی شیعه.



پس مسئله تأثیر زمان و مکان، هیچ‌گاه مستلزم فقه جدید نخواهد شد و اینکه برخی پنداشته‌اند که با مسئله زمان و مکان لازم است فقه جدیدی تأسیس شود، دور از دقت و تأمل است؛ زیرا باید دید مراد از فقه جدید چیست؟ اگر مراد از فقه جدید، آوردن ادله جدیدی در کنار ادله اربعه و استنباط احکام جدید برطبق آن‌ها باشد گرچه این مطلب باطل و فاسد است اما تأثیر زمان و مکان (که خود امری است مؤثر در تبدیل و تغییر موضوعات و ایجاد موضوعات جدید و یا مؤثر در اختلاف برداشت از ادله) هیچ‌گاه به معنای آن نیست که خود دلیل جدیدی باشد.

ادله اثبات تأثیر زمان و مکان

دلایل مختلفی را می‌توان برای تأثیر دو عنصر زمان و مکان در صدور فتوا و نحوه استنباط احکام، مطمح نظر قرار داد.

دلیل نخست: کتاب

آیه ۶۵ و ۶۶ سوره مبارکه انفال^۱ را می‌توان در این راستا مورد استفاده قرار داد. خداوند متعال ابتدا بر مسلمانان لازم می‌داند که در میدان نبرد، هریک از آنان در مقابل ده نفر ایستادگی کند، اما پس از چندی به آنان تخفیف می‌دهد و هریک را در مقابل دو نفر قرار می‌دهد. ابن عباس در تفسیر کریمه مذکور می‌گوید: «ابتدا خداوند امری را بر مسلمانان واجب فرمود اما پس از اینکه آن تکلیف بر آنان مشقت بار بود، تکلیف نخست را تغییر داد و به آنان تخفیف داد»^۲.

پیش‌تر بیان شد که مقصود از زمان و مکان در گفتمان فقهات، معنای لغوی آن نیست بلکه به معنای تغییر حالت در مکلف است. با عنایت به این تفسیر از زمان و مکان، دریافت می‌شود که خداوند متعال بالحاظ تغییر شرایط و اوضاع مسلمانان، حکم پیشین را تخفیف داده است. از آنجاکه مقصود از زمان و مکان در اصطلاح فقها، همین دگرگونی شرایط و احوال مکلفان است، می‌توان از آیات مذکور بر دخالت

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ صَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ».

۲. سلیمان بن أشعث بن إسحاق سجستانی، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۲۸۳.

مقتضیات زمان و مکان در تغییر برخی احکام استدلال نمود.

دلیل دوم: سنت

در مجامع روایی، روایاتی ثبت شده است که در آن‌ها تأثیر زمان در حکم را می‌توان مشاهده کرد: روایات مربوط به نهی از ذخیره‌سازی گوشت قربانی در همین راستا قابل استناد است. در برخی از روایات، پیامبر اسلام مسلمانان را از نگهداری گوشت قربانی بیش از سه روز نهی فرمود؛ اما در ادامه، این نهی برداشته شد و آن حضرت اجازه دادند که مردم از گوشت‌ها نگهداری و استفاده کنند.^۱ در تبیین علت این نهی نیز آمده است که در آن زمان گروهی از نیازمندان و تازه‌واردان به مدینه حضور داشتند و پیامبر اکرم ﷺ اراده داشتند که گوشت‌ها در میان آنان توزیع شود و همگان از آن بهره‌مند گردند.

پیش‌تر بیان شد که مقصود از زمان و مکان در اصطلاح فقهات، صرف زمان و مکان جغرافیایی نیست، بلکه مراد، دگرگونی شرایط، نیازها و وضعیت اجتماعی مکلفان است. با توجه به این معنا، روشن می‌شود که نهی ابتدایی از ذخیره‌سازی گوشت، حکمی ثابت و همیشگی نبوده، بلکه با توجه به شرایط خاص اجتماعی و اقتصادی آن دوره صادر شده است. سپس با تغییر آن شرایط و برطرف شدن نیاز موجود، حکم پیشین نیز تغییر یافت و جواز ذخیره‌سازی صادر شد؛ از این رو روایت مذکور نشان می‌دهد که تغییر شرایط اجتماعی و اوضاع زندگی مردم، در تغییر کیفیت حکم و نحوه صدور آن تأثیرگذار است و شارع مقدس در مقام تشریع و بیان حکم، مقتضیات و شرایط زمانه را مورد توجه قرار داده است.

دلیل سوم: عرف

قرافی می‌نگارد: احکامی که مرتبط با عادات و عرف مردم می‌باشد با تغییر زمان و مکان، تغییر می‌یابد؛ مثل نقود و پول‌ها در معاملات و عیوب حاصل در اجناس فروخته شده و تغییر اعتبار مالی سکه، پول و غیره.^۲

مثال: اگر شخصی سوگند یاد کند که چهارپای سوار نمی‌شوم و اگر عرف آن منطقه،

۱. محمد بن إسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۰۳.

۲. أحمد بن إدريس المالکی القرافی، أنوار البروق في أنواء الفروق، ج ۱، ص ۱۹۱.

چهارپا را منحصر در درازگوش بدانند، با سوار شدن به شتر یا اسب و قاطر دروغ‌گو محسوب نمی‌شود و لازم نیست که كفاره حنث قسم بپردازد.^۱

دلیل چهارم: رأی اصحاب

براساس مبنای فقهی اهل تسنن که رأی صحابه را امری مشروع می‌پندارند، می‌توان برای مسئله حاضر از رأی صحابه، دلیلی ارائه نمود. روایتی که در مجامع روایی از عایشه نقل شده است در همین راستا قابل استناد است. وی می‌گوید: اگر پیامبر اسلام آنچه را که زنان پس از ایشان پدید آورده‌اند مشاهده می‌کرد، آنان را از حضور در مسجد منع می‌فرمود، همان‌گونه که زنان بنی اسرائیل از حضور در عبادتگاه‌ها منع شدند.^۲ با عنایت به تفسیری که از «زمان» مطمح نظر است، این روایت بیانگر تأثیر زمان در حکم فقهی است.

دلیل پنجم: مصالح مرسله

اساس پذیرش مصالح مرسله مبنی بر اقتضائات زمانی و مکانی است. احکامی که به حسب اقتضاء مصلحت زمانی و مکانی تغییر پیدا می‌کنند، دلیلی بر مداخلیت عنصر زمان و مکان در فقه و فتوا می‌باشند. اهل تسنن با پذیرش این قاعده، مداخلیت زمان و مکان در صدور و نوع حکم را پذیرفته‌اند؛ به عنوان نمونه، در زمانی اعطای هدایا به معلمان قرآن امری رایج بود اما اکنون این رسم منسوخ شده است و کسی به معلمان قرآن، هدیه‌ای عطا نمی‌کند و از طرفی اگر معلم بخواهد بدون اخذ اجرت، قرآن را به دیگران آموزش دهد، طبعاً با مشکلات معیشتی مواجه می‌شود، بنابراین فقیهان فتوا داده‌اند که برای تعلیم قرآن و این چنین اموری، اجرت اخذ شود.^۳

دلیل ششم: سد ذریعه

ازجمله ادله‌ای که می‌توان از فقه اهل تسنن برای این مسئله بدان استناد کرد، قاعده «سد ذرایع» است. بر پایه این قاعده، گاه امری که در اصل مباح است، به جهت

اهل سنت با استناد به رأی صحابه، مصالح مرسله و سد ذریعه، تأثیر زمان و مکان را در تغییر احکام فقهی می‌پذیرند. این ادله نشان می‌دهد که تغییر شرایط می‌دهد که عرفی و مصالح اجتماعی می‌تواند موجب تغییر فتوا و احکام اجتهادی شود، در حالی که اصول ثابت شرعی دست‌نخورده باقی می‌مانند.

۱۳۰



شماره دوم - پاییز و زمستان ۱۴۰۴
امت و تعالی

۱. محمد بن أحمد بن أبی أحمد سمرقندی، تحفة الفقهاء.

۲. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. سید السابق، فقه السنة، ج ۳، ص ۱۸۶.

جلوگیری از تحقق مفسده و فساد اجتماعی، ممنوع می‌گردد. از همین باب، فقیهان فروش سلاح در زمان فتنه را حرام دانسته‌اند؛ زیرا این امر می‌تواند زمینه تقویت ظلم، آشوب و ریخته شدن خون مسلمانان را فراهم آورد. همچنین بسیاری از فقیهان، قیمت‌گذاری کالاها در عصر حاضر را برخلاف حکم اولیه جایز دانسته‌اند؛ زیرا در روزگار کنونی، فساد اقتصادی، احتکار و بی‌توجهی بسیاری از تاجران به اخلاق اسلامی، موجب اخلال در نظام بازار و وارد آمدن ضرر بر عموم مردم می‌شود.

در مقابل، در عصر پیامبر اسلام هنگامی که قیمت‌ها افزایش یافت، مردم از آن حضرت درخواست کردند که برای کالاها قیمت تعیین کند، اما ایشان از این کار نهی فرموده و می‌گویند: خداوند قیمت‌گذار، روزی دهنده و تدبیرکننده امور است و من نمی‌خواهم درحالی خدا را ملاقات کنم که کسی به سبب مالی بر من ادعای ظلم داشته باشد.^۱

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش دو عنصر «زمان» و «مکان» در فرایند استنباط احکام، به بررسی تطبیقی مبانی و ادله فقه حنفی و امامی پرداخته است. دستاوردهای حاصل از این تحقیق را می‌توان در گزاره‌های کلیدی زیر خلاصه نمود:

۱. تفکیک نظام مند ثوابت و متغیرات: هر دو مکتب فقهی (حنفی و امامی) بر این اصل استوارند که احکام اسلامی به دو قلمرو ثوابت و متغیرات تقسیم می‌شوند. تغییر فتاوا بر اثر تحول زمان و مکان، هرگز به معنای دگرگونی در ذات احکام ثابتی همچون ضروریات دین و نصوص قطعی نیست، بلکه این پویایی صرفاً در حوزه احکام اجتهادی و متغیر صورت می‌پذیرد که دائرمدار مصالح، عرف و احوال مکلفان است.

۲. تبیین ماهیت زمان و مکان: از منظر فریقین، زمان و مکان، علت حقیقی و تکوینی تغییر حکم الهی نیستند، بلکه به عنوان «ظرف تحول اوضاع جامعه» و «محرک دگرگونی موضوعات» عمل می‌کنند. به بیان دیگر، با تغییر زمانه و مقتضیات جغرافیایی، موضوع یک حکم دچار استحاله، انتفا یا تبدل می‌شود و طبیعتاً با دگرگونی یا بازتعریف موضوع، حکم جدیدی متناسب با آن پدید می‌آید.

۳. همگرایی در مبانی و ابزارهای استنباط: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فقه

۱. ابن ماجه القزوينی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۴۱.

حنفی و فقه امامی، علی‌رغم تفاوت در برخی اصطلاحات، در مواجهه با مقتضیات زمانه به همگرایی عمیقی دست یافته‌اند. فقه حنفی با تمسک به قواعدی چون «مصلح مرسله»، «سد ذرایع» و «تغییر عرف زمانه» (با استناد به آرای فقیهان برجسته‌ای چون سرخسی و ابن عابدین) انعطاف‌پذیری نظام فقهی خود را تبیین می‌کند. درمقابل فقه امامی با تکیه بر «پویایی ذاتی اجتهاد»، «نقش‌آفرینی عرف صحیح»، «مدخلیت مصلحت عامه» و بازتعریف جامع شرایط مجتهد (براساس آرای متقدمانی چون شهید اول و معاصرانی چون امام خمینی) بر کارآمدی فقه در اداره جامعه پای می‌فشارد.

۴. مشروعیت ادله فریقین: ادله شش‌گانه مورد بحث در تحقیق (کتاب، سنت، عرف، رأی اصحاب، مصلح مرسله و سد ذریعه) گواهی متقن بر این واقعیت است که لحاظ کردن شرایط زمان و مکان، امری ذوقی یا مصلحت‌اندیشی منهای دلیل نیست، بلکه ریشه در عمق ادله تفصیلی و ساختار درونی فقه اسلامی دارد.



منابع

- قرآن کریم.
- ابن عابدین، رسائل ابن عابدین، اسطنبول، بی جا، نشر سعادت، ۱۳۲۵ ق.
- ابن ماجه قزوینی، محمد، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بی جا، دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
- الأندلسی، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، چ ۱، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ ق.
- الجدید العززی، عبدالله بن یوسف، تیسیر علم أصول الفقه، چ ۱، بیروت، مؤسسة الريان للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۹۹۷ ق.
- قرافی، أحمد بن إدريس المالکی، أنوار البروق فی أنواء الفروق، بی جا، عالم الكتب، بی تا.
- الزحیلی، وهبة، اصول الفقه الاسلامي، چ ۲، دمشق، دار الخیر للطباعة والنشر والتوزيع، ۲۰۰۶ م.
- الزرقاء، المصطفی، المدخل الفقهي العام، دمشق، دار القلم، بی تا.
- الشّجستانی، سلیمان بن أشعث بن إسحاق، سنن أبي داود، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، المكتبة العصرية، بی تا.
- السمرقندی، محمد بن أحمد بن أبي أحمد، تحفة الفقهاء، چ ۲، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۹۹۴ م.
- الشاطبی، الموافقات، تحقیق أبو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، چ ۱، بی جا، دار ابن عفان، ۱۹۹۷ م.
- بخاری، محمد، صحيح البخاري، تحقیق محمد زهير بن ناصر، چ ۱، بی جا، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
- سبحانی، جعفر، «نقش زمان و مکان در استنباط»، مجله فقه اهل بیت، بی جا، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۴.
- سرخسی، محمد بن أحمد، المبسوط، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق.
- سید سابق، فقه السنة، چ ۲، بیروت، دار الكتاب العربي، ۱۹۷۷ م.
- شیرعلی ظریفی، الثواب و المتغیرات، پاکستان، الناشر كلية الشريعة جامعة الإسلامية إسلام آباد، ۲۰۰۵ م.
- طوسی، خواجه نصیر الدین، كشف المراد، با حاشیه جعفر سبحانی، قم، مؤسسة الإمام الصادق علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
- کمیته ای از علما و فقهای خلافت عثمانی، مجلة الأحكام العدلية، کراتشي، کارخانه تجارت کتب، آرام باغ، نشر نور محمد، بی تا.
- کاشف الغطاء، الشيخ محمد حسين، تحرير المجلة، تحقیق محمد ساعدی، چ ۱، قم، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الإسلامية، ۱۴۲۲ ق.

- محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، مطبوع در ضمن موسوعة الشهيد الأول، مجموعة من المحققين، چ ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمية، ۱۴۳۰ ق.
- مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، بی جا، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، بی تا.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، چ ۷، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- <https://B2n.ir/em3603>.
- <https://B2n.ir/nr4139>.
- <https://B2n.ir/bu3835>.